

با جشنواره تئاتر

نگاهی به دستاوردهای جشنواره تئاتر امسال

این نمایش را فراموش نکنید



رضا آشفته

● این‌روزها که سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در حال برپایی است شاهد دست‌کم چهار اثر برگزیده ایرانی هستیم که برابری‌هایی با آثار خارجی خواهند کرد و این خود نویدبخش اتفاقاتی خوشایند برای تئاتر ایران در آینده نزدیک خواهد بود. «هملت» آرش دادگر، «سقراط» حمیدرضا نعیمی، «مرد بالشی» آیدآ کیخایی و محمد یعقوبی و «روبینسون کروزوئه» علیرضا کوشک‌جلالی چهار اثر برگزیده‌ای هستند که برای تاریخ تئاتر ما مثال‌زدنی خواهند بود.

هملت آرش دادگر متفاوت با هملت ویلیام شکسپیر است چون آدم‌هایش به اقتضای زمان متفاوت شده‌اند و البته در مسیر حوادث هم تغییراتی اتفاق افتاده است. اثر بین تراژدی و کمدی سرگردان است و برای آنکه مساله روح را حل کرده باشد، پذیرش آن را در گفت‌وگوی هملت پسر و گورکن طوری حل‌وفصل می‌کند که امری ذهنی و شخصی به شمار آید. البته در تجمع مردگان در آن ایوان نوعی نگاه متفاوتی‌کی غالب بر کار می‌شود که از حالت شخصی‌نگری بیرون می‌آید. در اینجا شاهد استیلا و چیره‌شدن نگاهی بر کلیت متن اجرایی خواهیم بود و می‌شود شاهد حاصل از این نگرش را درک کرد. پلونیوس، کشیش و سانسورچی است و مانع از توسعه مسیر اصلاحات می‌شود. دوستان هملت سرگردان و بیچاره‌اند و این نکته‌ای افزوده بر متن است چنانچه حضور گورکن هم در اجرا با اضافاتی همراه شده است. صحنه نمایش تبدیل به فیلم شده و البته این بار کلاب‌بوس، عمووی هملت هیچ عکس‌العملی به دین‌ن صحنه سس‌ریختن در گوش شاه ندارد و برای همین خود هملت در لباس کشیش اعتراضات به قتل برادرش را می‌شنود. یعنی در انجام تغییرات درنگ نشده است و با تدبیر تغییرات دراماتیکی در متن انجام شده تا تازگی و طراوت بر متن ویلیام شکسپیر دمیده شود. شاید برخی تا این اندازه دخل و تصرف را نپذیرند و مسیر را منحرف‌کننده تلقی کنند. اما زبان و بیان نو، چنین نگرشی را برمی‌تابد و آن را لازمه یک جریان خلاصه می‌داند، چون در غیر این صورت هیچ‌چیز قابل تحمل نخواهد شد در تکرار مکررات. چیدمان و میزانشن دادگر کاملاً متفاوت است، آدمی که بر زمین می‌خزد از شدت درد سنگ‌مانده، اقلیایی که مدام در حال خواندن آوازه‌ای عاشقانه به لهجه هرمز گانی است، روح پرسی که از ابتدا تا پایان در خانه سرگردان است، گورکنی که مدام در حال چال‌کندن و خاکسپاری مردگان



است، بریده روزنامه‌های ناشی از تیغ سانسور، و نمونه‌هایی از این دست باعث متفاوت‌شدن حرکات خواهد شد. همه این موارد، جهان نویی را بر هملت ویلیام شکسپیر تحمیل می‌کند و این می‌شود خوانشی متفاوت از یک شاهکار جهانی. آیدآ کیخایی و محمد یعقوبی توانسته‌اند با ترکیبی درست از بازیگران و هدایت دقیق آنان مرد بالشی را به سرانجام برسانند و در مقایسه با آثار خارجی چنین اثری با استانداردهای بین‌المللی برابری می‌کند.

سقراط نمایشی غریب است؛ چراکه حس معکوسی را در ذهن و روان مخاطب جاری می‌کند و وظیفه‌اش آگاه‌کردن ملست و نمی‌شود از این مهم چشم‌پوشید چنانچه سقراط در این راه جان‌نثاری هم می‌کند. او می‌دود تا ما بماییم با این درایت و بازانندیشی که از دروغ و ریا و عوام‌فریبی و ظلم و جور دست برداریم و مطیع لاورم انسانی تابع حقیقت و زیبایی باشیم. اینکه انسان باشیم و خود را از همین منظر بشناسیم و گناهان را قبول کنیم و برای جبران‌ش چاره‌اندیشی کنیم. روبینسون و کروزر بر گرفته از رمان معروف روبینسون کروزوئه است با این تفاوت عمده که آن شخص که به‌تنهایی در جزیرهای به سر می‌برد اما در این نمایش او تبدیل به دو نفر خلبان شده که هر دو در جنگ، رودرروی هم قرار گرفته‌اند و دشمن خوبی هم هستند. یعنی در این میان یک دراماتورزی اساسی هم جریان دارد و بخشی از این نویویی هم به جریان ترجمه و برگردان زبانی برمی‌گردد. این نکته قابل‌تأمل است که می‌تواند جریان تئاتر ما را معادل با استانداردهای جهانی سازد. ما نیازمند تحول و تحرک و پیشرفت هستیم و رسیدن به برابری‌های هنری است که دیگران را متوجه اتفاقات هنری-نمایشی ما خواهد کرد. روبینسون و کروزر اثری دقیق و خلاق در زمینه کمدی موقعیت و طنز گروتسک است. به عبارت بهتر باید در این اثر علاوه بر آن خندیدن باید به زهرخند موجود هم توجه کرد. اینکه دو دشمن در یک جزیره همدیگر را استوار و اسیر می‌کنند و برخورد‌های ناشایسته، رفته‌رفته درمی‌یابند برای بقا و نجات‌یافتن از این جزیره دورافتاده چاره‌ای جز همدندیشی، هماهنگی و پیوند و ارتباط‌گرفتن ندارند. به دنبال ارتباط کلامی هستند که نمی‌شود بنابراین به بیان بدنی و پاتومیم تکیه می‌کنند و می‌توانند لحظات مشترکی را بسانند برای تفهیم و تفاهم. این حرکات و توجهات‌وضعیتی را به سمت همدلی‌ها می‌برد. آن دو خاطرات زیادی دارند برای واگویه‌کردن و نیازهایی که باید رفع‌ورجوع شود و سراخر دو قایق می‌سازند برای رفتن به سرزمین‌هایشان. آن دو الان دوست شده‌اند و دل‌کندن برایشان سخت شده است. مسیر متن بسیار درست و دقیق و سوار بر کارکرد دراماتیک و کمدی است.

یادداشت صنفی

نخستین نیاز اجتماعی هنرمندان و چالش‌هایش



فاضل جمشیدی خواننده

گرفته و هنرمندان رشته‌های مختلف هم از این بلا مصون نیستند باید فکری اساسی کرد و با همفکری و اقدام مشترک دولت و نهادهای مدنی -هنری، راهکاری اندیشید و حداقل حقوق هنرمندان را به دو یا سه‌برابر ارتقا داد تا زامن بازتنسنگی ۲۵ یا ۳۰ساله هنرمندان و در دورانی که کپولت و خستگی از فعالیت‌ها و خلق آثار هنری ایشان می‌کاهد، به مشکل برخورد نکنند. همه اینها در حالی است که با کمال تاسف و به‌دلیل بدهی معاونت هنری پیشین به سازمان تأمین‌اجتماعی، همین روند معمولی با مبنای «حداقل دستمزد کارگری» نیز به اشکال خورده یا خواهد خورد. تأمین‌اجتماعی و شعب آن به‌محض هرگونه تاخیری خواسته یا ناخواسته از طرف هنرمند یا سازمان معرفی‌کننده او درخصوص پرداخت حق‌بیمه‌ها، اقدام به قطع رابطه کاری و عدم‌تصدید قرارداد می‌کند. این روند بسیار حساس و شکننده شده، و به‌نظر می‌رسد هشدارهای برخی دلسوزان حساسیت مسوولان و نهادهای مدنی را دستمزد مبنای حقوق افزایش می‌یابد و تورم و گرانی سرسام‌آور به‌ویژه در چهارسال اخیر گریبان جلعصر را

دروزر جول و حوش ساعت چهار صبح به وقت تهران، مراسم ارایه جوایز سه برندگان گرمی که آن را«اسکار موسیقی»می‌نامند، برگزار شد. شب گرم گرمی با حضور چهرهای شاخص موسیقی معاصر و همچنین پیشکسوتان هنر و موسیقی جریان یافت؛ ششی که در آن، چهره‌هایی چون «مدونا» از دنیای موسیقی و«جولیا رابرتز» و«جارد لنو» (بهترین هنرپیشه مکمل مرد گلدن گلوب اسال) از دنیای سینما حضور داشتند و چندین‌میلیون بیننده در سرتاسر جهان آن را به‌طور زنده تماشا کردند.

چهره‌های موسیقی، مدام در حال تغییر هستند. دیگر نه‌تنها ستاره‌هایی چون«مدونا» و «جینفر لویز» یا «کیتارو» و«تونی برکستون»، که چهره‌های معاصرتر جهان موسیقی مانند «کیتی پری» و «تیلور سوویفت» نیز با رقبای در حال ظهور جدید روبه‌رو هستند که هر لحظه ممکن است جایزه را از دست آنها بریابند. با این حال، سیال‌بودن هنر موسیقی باعث می‌شود تا گاه چهره‌های ماندگار این عرصه نیز کم‌اگان شلس در یافت این جایزه را داشته باشند که از آن جمله می‌توان به موفقیت «پل مک‌کارتنی» در شب گذشته اشاره کرد. در مراسم امسال، «مکلمور» و «رابان لویز» در کارهایی که با هم رایله کرده بودند به‌طور مشترک سه‌جایزه دریافت کردند تا بیشترین جوایز این شب را از آن خود کنند. در رقابت امسال، «جی زد» در ۹ بخش، «جاستین تیمبرلیک» در هفت‌بخش، «کدیک ریلمر» در پنج بخش، «تیلور سوویفت» در چهاربخش، «برنو مارس» و «یت اسمیر» رایله شده بود، داده شد. او همچنین در دویخش دیگر نیز - در قالب گروه - موفق شده بودند. از مهم‌ترین اتفاقات امسال، جایزای بود که «پل

مک‌کارتنی» توانست در بخش بهترین موسیقی فیلم از آن، خود کند. این، تنها جایزایی نبود که این غول موسیقی و ستاره سابق گروه بیتلز کسب کرد. بهترین ترانه را، که در رقابت با «رولینگ استونز»، «گری کلارک» و «میوز» نیز به کار جدید «پل مک‌کارتنی» که با هم‌راهی «دیو گرو»، «کریست نوسولیس» و «یت اسمیر» رایله شده بود، داده شد. او همچنین در دویخش دیگر نیز - در قالب گروه - موفق شد جوایزی را کسب کند. چهره‌های دیگری که در گرمی

هنر

یادداشت صنفی



نادر مشاکی آهنگساز و رهبر ارکستر

به اعتقاد من دلایل ندرخشیدن موسیقی ایرانی در رقابت‌های موسیقی «گرمی» این است که در سال‌های گذشته یعنی حدود صدسال پیش در ایران سعی شد برای ارایه بیشتر موسیقی ایرانی و قابل‌هضم‌شدنش در جهان از عوامل غربی همچون بهره‌گرفتن از سازهای غربی استفاده شود. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که موسیقی ایرانی برای همرنگ‌شدنش با موسیقی کشورهای دیگر، عناصر منحصر‌به‌فرد خود را از دست داد. طبعیتا ظرافت موجود در موسیقی ایرانی کمرنگ‌تر شد و این موسیقی در جهان از دیگر سبک‌ها متمایز نشد. این در حالی است که در گنجینه موسیقی ایران موسیقیدانانی ظهور کردند که توانستند با بهره‌گیری از سازها و عناصر غربی، نوعی موسیقی ایرانی بسازند که عناصر ایرانی‌اش

اسکار موسیقی ۲۰۱۴، برندگان خود را شناخت

«گرمی» و دیده‌نشدن موسیقی ایرانی

تمام و کمال حفظ شود؛ موسیقیدانانی چون روح‌الله خالقی و علی‌نقی وزیری و بسیاری دیگر که بدون ضرورزیان‌رساندن به اصالت موسیقی ایرانی، با کمک عوامل غربی، آن را معرفی کردند. اما متأسفانه موقعیتی در کشور فراهم نشد که اینها در سطح مسابقات و فستیوال‌های موسیقی جهانی بدرخشند و موسیقی ایرانی همان‌طور که هست به جهانیان معرفی شود. البته در سال‌های اخیر این روند روبه‌شد بوده و ما می‌بینیم که کنسرت‌های خوبی از سوی آهنگسازان و نوازندگان ایرانی در کشورهای دیگر برپا می‌شود و اتفاقاً تعدادشان در سال زیاد است و خوب هم خودنمایی می‌کند. این امر می‌تواند برای آشنایی دیگر ملل با موسیقی ایرانی قدمی شایسته باشد. شاید بتوان این نوید را داد که در سال‌های نزدیک، موسیقی ایرانی در رقابت‌هایی چون «گرمی»، همچون دیگر کشورهای صاحب‌نام در موسیقی بدرخشد. موسیقی ایرانی ظرافت و عناصری دارد که برای عرضه در سطح جهانی نیاز دارد که حفظ شود که بتواند جایگاهش را به درستی معرفی کند.

نیما توسلی



گروه دفت‌پانک، عکس: AP

۲۰۱۴ توانستند جایزه بگیرند، «دفت پانک» (بهترین آلبوم سال و بهترین اجرای گروهی پاپ)، «الرد» (بهترین ترانه سال و بهترین اجرای سولوی پاپ)، «لمجین دراگونز» (بهترین اجرای راک)، «دل‌زلیل» (بهترین آلبوم راک)، «اسنار کی پای» و«اللا هاتوی» (بهترین اجرای R&B)، «جاستین تیمبرلیک» (بهترین ترانه R&B)، «مکلمور» و «رابان لویز» (بهترین اجرای رپ، بهترین ترانه رپ و بهترین آلبوم رپ)، «جی زد» و «جاستین تیمبرلیک» (بهترین همکاری رپ و سنگل و بهترین

موسیقی ویدیو)، «کیسی ماسگریو» (بهترین آلبوم کانتری)، رایان لوییز (بهترین اجرای سولوی موسیقی کانتری)، «تری لین کاربنکتن» (بهترین آلبوم بین‌المللی)، «ریحانا» (بهترین آلبوم معاصر شهری)، و «آدل» و«ایل لپورث» (بهترین رسانه تصویری) بودند. در این میان حضور گروه «دفت پانک» روی صحنه با کالادخودهای ویژه نگاه‌ها را به این گروه جلب کرد. تا ناگاه‌های معروف و محبوب این دوره می‌توان به «تیلور سوویفت» (در زمینه دریافت جایزه بهترین آلبوم سال)، «کیتی پری» (در زمینه دریافت جایزه بهترین ترانه سال و بهترین اجرای سولوی پاپ)، «برنو مارس» (در زمینه دریافت جایزه بهترین ترانه سال و بهترین اجرای سولوی پاپ)، «جاستین تیمبرلیک» (در زمینه دریافت جایزه بهترین اجرای سولوی پاپ و اجرای گروهی پاپ، «ریحانا» (در زمینه دریافت جایزه بهترین اجرای گروهی پاپ)، «جی زد» (در زمینه دریافت جایزه بهترین اجرای گروهی پاپ و بهترین اجرای رپ)، و «امینم» (در زمینه دریافت جایزه بهترین اجرای رپ) اشاره کرد. همچنین در گرمی امسال، خواننده‌هایی چون «مایلی سیرس» و «ایدریس هیلتون» در هیچ بخشی حضور نداشتند.

«کینارو» هنرمند برنده گرمی و گلن گلوب که برای پانزدهمین‌بار در بخش New Age گرمی نامزد شده بود و روزنامه «اسنر» نیز چندنی پیش‌با او در این خصوص گفت‌وگویی انجام داده بود، شب موفق نشدند و جایزه هر بخش به «الرا سولیوان» رسید. کینارو در گفت‌وگوی اخیر یک آهنگ هنری (R&B) را «اسنار لویز» (بهترین آهنگ بود، نوازنده و آهنگسازی که پیش از این، نامزد دریافت جایزه گرمی هم شده بود.

چهارمین بازار تئاتر ایران پایان یافت

بازاری به وسعت ۵ میز

بماند. بسیاری از گروه‌ها، ایده‌های خیلی خوبی برای برقراری ارتباط با گروه‌ها و کمیته‌ای‌های خارج از کشور دارند. بنابراین خیلی ضروری نیست که بخش دولتی وارد کار شود و به‌همین دلیل است بازار این دوره هم‌زمان دوره‌های پیشین برای گروه‌های داخلی جذاب نیست.» شفیع‌ی با تاکید بر اینکه باید بازیگری جدی‌ای در زمینه برگزاری بازار تئاتر صورت بگیرد، گفته است: «تأمسل با گروه‌های خارجی به‌ویژه با نگاهی که دولت آقای روحانی دارد بسیار مهم و جدی است و لازم است در زمینه تعاملات هنری هم این ارتباط با خارج از کشور بیش از پیش برقرار شود. اما باید برای برقراری این ارتباط



خیبر

«بی در زمانی» در انتظار موافقت «مراذخانی»

هنمایی مراذخانی با ساخت این فیلم، «بی در زمانی» در آینده نزدیک ساخته و به اکران عمومی خواهد رسید. این فیلم با محور هنرهای مختلف به‌خصوص هنر تجسمی ساخته می‌شود و به همین دلیل ابتدا باید مجوزهای لازم را در مرکز تجسمی و معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در صورت موافقت

خیبر

چهار روز

علیدوستی داور «وزول» شد



● شرق: ترانه علیدوستی مدتی است که به‌دلیل تولد دخترش کم‌کار شده است و امسال نیز تنها با یک فیلم در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر شرکت دارد. اما او که سال گذشته جایزه ویژه هیأت‌داران جشنواره «وزول» فرانسه را دریافت کرد، داورى این جشنواره را قبول کرد. در این دوره از جشنواره فیلم «برف روی کلاه‌های پیمان معادی به‌عنوان نماینده ایران در آن شرکت دارد. به گزارش اسنا جشنواره «وزول» یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های مربوط به سینمای آسیاست که در اروپا برگزار می‌شود. این جشنواره امسال نیز از ۱۱ تا ۱۸ توره (۲۲ تا ۲۹ بهمن‌ماه) برپا می‌شود. در کنار ترانه علیدوستی، برلنت مندوژا، فیلیپ چی و ونگ چائو هیأت‌داران بین‌المللی این جشنواره را تشکیل می‌دهند. او سال گذشته به‌همراه مانی حقیقی در این جشنواره شرکت کرده بود و بازی او در این فیلم توانست نظر داوران را به بازی خود جلب کند. علیدوستی پیش از این نیز به‌عنوان داور در جشنواره فیلم «هانوی» ویتنام که سال گذشته برگزار شده، حضور داشت و داورى جشنواره وزول دومین حضور بین‌المللی او به‌عنوان ادر است.

ادامه از صفحه ۷

جاده سیاست و هنر یکطرفه نیست

● آقا یقصد دارید هم‌زمان هم به فعالیت‌تان در H&H ادامه دهید و هم روی موزه نورمندی کار کنید؟
ظاهرا این دو کار، چندان با هم مرتبط نیستند... نه، این دو به هم ربطی ندارند. اینجا بیشتر یک گاری و مجموعه خصوصی متعلق به منامر است. این در واقع زندگی کاری اوست و آثار هنری درآوردی شده، کارهایی هستند که او جمع‌آوری کرده و از آنها الهام گرفته است، اما بنیاد ما، در پی کمک به هنرمندان جوان است تا آنها از طریق هنرشان بتوانند کار کنند و به زندگی ادامه دهند. این یک موضوع صرفاً تجاری و نگاه تجاری به مقوله هنر نیست. در این راه، باید توانیم تعدادی از آثار هنری را بفروشیم و چرخه‌ای از ورود و خروج پول را در این پروژه داشته‌باشیم.

● بعد از کشف هنرمندان جوان، به‌ویژه در خاورمیانه، آیا برنامه‌ای دارید که این هنرمندان را در سایر کشورها مطرح و به‌این ترتیب به ارتقای کارشان کمک کنید؟
بله. البته اینطور نیست که ایشان را بخریم و پولی به آن بدهیم و بعد دخافظلی کنیم و همه‌چیز تمام شود. ما یک برنامه کاری ویژه برای هر یک داریم. ما یک اجتماع خاص هنری (Art Community) داریم که سالی یکبار کارهای حرفه‌ای را از گردآوردندگان آثار هنری از همه‌جای جهان جمع می‌کنند. آنجاست که اثرای از هنرمندانی که جلداتر و مقبول‌تر باشند انتخاب می‌شوند. اولین گام‌مان راهاندازی وبسایت است که در مارس ۲۰۱۳ انجام خواهد شد. کاندیداهایمان را تا ژوئن ۲۰۱۴ انتخاب خواهیم کرد. در سپتامبر ۲۰۱۴، هیات تشکیلاتی (Board of Community) تشکیل خواهد شد و کاندیداهای نهایی معرفی خواهد شد تا به تأمین مالی هنرمندان اقدام کنیم. به این منظور، کمپین ارتباطی و مشارکتی فعال و وسیعی را برپا خواهیم کرد تا اقداماتمان به‌درستی و طبق برنامه پیش برود پروژه بسیار پرچاشی خواهد بود. اما ارزش آن را دارد که دست به آن بزنیم.
سولات تمام شده.
بیش از یک‌ساعت است که در این موزه مشغول صحبت هستیم. از آنها می‌خواهم اگر صحبت دیگری ندارند، گشتی در محوطه بزنیم. غروب نزدیک شده. باید هرچه سریع‌تر وسایلم را جمع‌انم و به پاریس برگردم. فیلیپ سه موزه دیگر را هم نشاتم می‌دهد. بازید از آثار خیلی سریع انجام می‌شود. حرف‌زدن خسته‌مان کرده. باد خنک بیرون از موزه، حواله‌هایمان را عوض می‌کند. ابرها رفته‌رفته متراکم می‌شود. غروب نیمه‌امری نورمندی غم‌انگیز است. یاد کلود مونه و خانه‌اش در پنج‌کیلومتری جایی که ایستادیم می‌افتم و اینکه یک قرن پیش مکتب جهانگیر امپرسیونیسم از همین حوالی پیشش همگان شده. همراه با فرانسیس و فیلیپ هائوریس به ضلع جنوبی ساختمان محل زندگی‌شان می‌رویم که شبیه کلاه چند «لاما» در حیاط خانه به این طرف و آن طرف حرکت می‌کنند. چند کودک هم به همراه مادرشان داخل محوطه موزه دیده می‌شوند. خوش «سن» با صدای کلاغ‌ها و به هم خوردن برگ‌ها در هم می‌آمیخته شده. زمان دخافظلی با نورمندی فرا سریده‌است.

سرخ‌ط

● شرق: «بن کینگزلی» به‌عنوان یکی از اعضای گروه بازیگران فیلم «یک‌شب در موزه ۳» انتخاب شد.
شرق: پخش فیلم سینمایی «موز» به کارگردانی رضا میر گرمی توسط شرکت سینمایی «نور تابان» انجام می‌شود.
هنر آنلاین: بهرام دبیری، مجموعه جدیدی از طراحی‌هایش را ششم اسفند در گالری نگاه به نمایش می‌گذارد.